

گروه تئاتر مردم

شهرام زرگر

عضو هیئت علمی دانشکده سینما و تئاتر

قسمت ششم

یکی از گروه‌های تئاتری بسیار فعال و ایسته به وزارت فرهنگ و هنر در دهه ۴۰ بدون شک گروه تئاتر مردم بوده است. در سال‌های فعالیت این گروه تئاتری، کارگردانی آثار نمایشی به عهده علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی بوده است.

برای وقوف به عملکرد اجرایی این گروه تئاتری، بایستی به سابقه هنری کارگردانان آن اشاره کنیم. علی نصیریان در این باره می‌گوید: ... در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شدم و تئاتر را از دوران مدرسه شروع کردم... با نمایشی که بهمن فرسی کار کرد، به نام "در دسر تلفن" که یک کمدی لاله‌زاری بود که با مهدی فتحی و جمشید لایق بازی کردیم. بعد خودم بر اساس کتاب سوء تفاهم آلبر کامو نمایشی ساختم و با جمشید لایق اجرا کردیم. نتیجه اینکه به تئاتر پیوند خوردم و گروهی شدیم متشکل از من، جمشید لایق، اسماعیل داوورفر و فریدون فرخزاد و ...

سال ۱۳۳۰ به کلاس جامعه باربد رفتیم که اولین مکتب درس و بحث جدی تئاتری‌ام بود. بد هم نبود. برای زمان خودش، خیلی هم خوب و پیشرو بود و با تئاتر حرفه‌ای آشنا شدم، چه از لحاظ شیوه بازیگری و چه از نظر اخلاقیات حرفه‌ای و به‌زعم ناملایماتی که تحمل کردم وجود دو استاد در این تماشخانه فرصتی مفتنم بود؛ رفیع حالتی در زمینه تئاتر ایرانی و اسماعیل مهرتاش در زمینه موسیقی ایرانی. این دو از نخبگان زمان خود بودند...

سال ۱۳۳۱ برای اولین بار با نقش‌های کوچکی،

روی صحنه جامعه باربد رفتیم. در همین سال، کتاب هنر تئاتر عبدالحسین نوشین، منتشر شد. پس از مطالعه این کتاب به صرافت افتادم که بیشتر بیاموزم. به تئاتر سعدی رفتم که توسط همسر و شاگردان نوشین اداره می‌شد. در این کلاس، بازیگری را از حسین خیرخواه آموختم تا آنکه کودتای ۲۸ مرداد پیش آمد و تئاتر سعدی بسته شد. هم‌زمان به هنرستان هنرپیشگی رفتم که مهم‌ترین مدرسه رسمی تئاتر آن زمان بود. آشنایی با بسیاری از برویچه‌های تئاتر، از اینجا شروع شد که بعدها به شکل‌گیری گروه هنر ملی انجامید. با آدم‌هایی مثل رضا بدیعی، پرویز بهرام، هوشنگ لطیف‌پور، عباس جوانمرد، جعفر والی، فهیمه راستگار، بیژن مفید، حسین کسبیان، صدرالدین الهی و دیگران آشنا شدم. دوره هنرستان سه سال بود و استادان والامقامی مثل دکتر مهدی نامدار، اسماعیل مهرتاش، علی‌اصغر گرمسیری، ابوالقاسم جنتی عطایی، حبیب یغمایی، محمد حجازی و خان ملک ساسانی هم داشتیم.

علی نصیریان توسط فهیمه راستگار و احمد شاملو با شاهین سرکیسیان آشنا می‌شود. خود وی در این باره می‌افزاید:

«... هم در زمینه ادبیات نمایشی و هم در نحوه اجرا او اولین کسی است که تئاتر جدید غرب را در ایران معرفی کرد. قبلاً شناختی واقعی از این نوع تئاتر نداشتیم... دید تازه‌ای در زمینه اجرای تئاتر، بر اساس سیستم استانیسلاوسکی (کار خلاقه و حسّی) کاملاً متفاوت بود. حتی تئاتری‌های فرنگ‌رفته آن زمان هم، از آن اطلاع

نداشتند...

... او مرتب وادارمان می‌کرد ادبیات ترجمه‌شده را بخوانیم. شعر، قصه و نمایشنامه، از نویسندگانی مثل چخوف، ایبسن، استریندبرگ، پیراندللو، لورکا، اوتیل، آرتور میلر و بسیاری دیگر برایمان حرف می‌زد و با حس و حالی کودکانه ولی انسانی، آثار آن‌ها را نقد و بررسی می‌کرد.»

در جلساتی که در منزل شاهین سرکیسیان برگزار می‌شد عده‌ای از صاحب‌نظران ادب و هنر مثل جلال آل احمد، سیمین دانشور، احمد شاملو، دکتر خانلری و عده‌ای از استادان موسیقی و نقاشی نیز رفت و آمد داشتند و تمرین‌ها و روخوانی‌ها را تماشا می‌کردند. علی نصیریان در این باره می‌گوید:

«... بعدها منوچهر انور، خجسته کیا و امیرحسین جهانگللو هم، به گروه ما پیوستند. در همین رفت و آمدها بود که دکتر جهانگللو و آل احمد موضوع تئاتر ایرانی را مطرح کردند که تا آنوقت به مفهوم درستش رواج نداشت، آنچه که بود سراسر ابتذال بود. پیشنهاد شد برخی از قصه‌های ایرانی و از جمله کارهای صادق هدایت را دراماتیزه کنیم. بر این اساس بود که من نمایشنامه‌ای طلایی را با الهام از قصه داش اکل صادق هدایت در سال ۱۳۳۵ نوشتم و تمرین و اجرا کردم که موفق هم بود. این نمایش، نقطه حرکتی شد برای کارهای گسترده‌تر بعدی.»

پس از این توفیق، نصیریان به نگارش نمایشنامه "بلبل سرگشته" بر اساس یک قصه



داود رشیدی

ثابت پاسال و اعلام همکاری اداره هنرهای دراماتیک با آن، جهت پخش تئاتر در تلویزیون، علی نصیریان با عباس جوانمرد، جعفر والی، عزت‌الله انتظامی، رکن‌الدین خسروی و خلیل موحد دیلمقانی هر کدام سرپرستی گروهی از هنرمندان این اداره را، برای اجرای تئاترهای تلویزیونی عهده‌دار شدند. نطفه اولیه تشکیل گروه تئاتر مردم از همین جا به وجود آمد که بعدها علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی با همکاری یکدیگر گردانندگی آن را به عهده گرفتند.

علی نصیریان درباره فعالیت‌های نمایشی در تلویزیون ایران می‌گوید:

«... بعد تلویزیون غیردولتی ثابت‌پارسال به راه افتاد و نمایش‌های هفته این شبکه پخش شد که برای گروه ما، بسیار آموزنده بود. بازیگران و کارگردان‌ها بین مردم شناخته شدند و زمینه‌ای شد برای کارهای بعدی ما و اوج کار تئاتر در ایران و سالن ۲۵ شهریور که ... حکایتش را می‌دانید و رفته‌رفته آدم‌های تازه‌ای از راه رسیدند. عزت‌الله انتظامی، جمیله شیخی، محمدعلی کشاورز، فخری خوروش، جمشید مشایخی، حمید سمندریان، داود رشیدی و ... در کنار اجراهای تلویزیونی گاهی نمایش‌هایی هم، در تالار فرهنگ و یا تالار انجمن‌های فرهنگی خارجی اجرا می‌کردیم.»

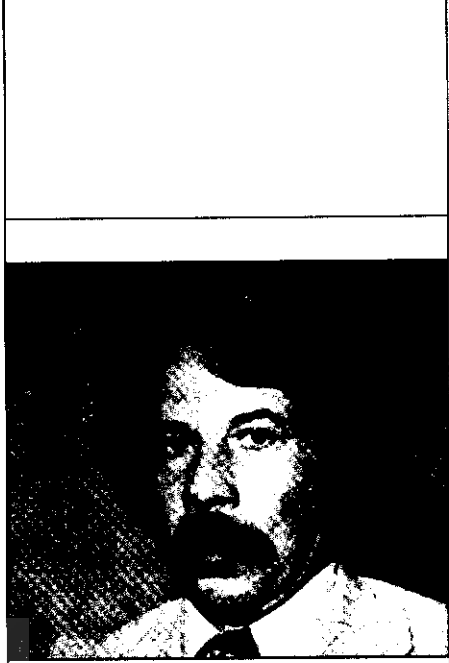
علی نصیریان با عده‌ای از هنرمندان اداره هنرهای دراماتیک نمایش‌های زیر را برای تلویزیون ایران اجرا کرد:
خودکشی، اثر روبرو دلاور، ترجمه حسین‌علی

پراکنده تئاتری را جمع و جور کند.»
پس از تأسیس بخش تئاتر، در اداره هنرهای زیبای کشور، تحت نام اداره هنرهای دراماتیک به ریاست دکتر مهدی فروغ، گروه‌های تئاتری پراکنده به وابستگی این اداره درآمدند. گروه هنر ملی نیز از این قاعده مستثنی نبود. البته پس از بازگشت از سفر پاریس گروه هنر ملی، در این گروه اختلاف‌نظرهایی پیش آمد که منجر به جدا شدن شاهین سرکیسیان و خجسته کیا و بهمن فرسی و منوچهر انور از این گروه و گرد آمدن آن‌ها تحت نام گروهی دیگر به نام گروه مروارید شد و سرپرستی گروه هنر ملی را عباس جوانمرد به عهده گرفت.

با راه‌اندازی اداره هنرهای دراماتیک، این گروه‌ها اقدام به اجرای نمایش در تهران و یا، به عنوان مأموریت، در شهرستان‌ها کردند و شماری از اجراهای تئاتری را به تماشاگران تهرانی و شهرستانی ارائه دادند.

علی نصیریان که در اداره هنرهای دراماتیک، به کار اشتغال داشت نیز با کارگردان‌های دیگر، به عنوان بازیگر و با بازیگران این اداره به عنوان کارگردان، به همکاری پرداخت و هم‌زمان با فعالیت‌های اجرایی، به نگارش نمایشنامه نیز روی آورد.

نمایشنامه‌هایی چون «افعی طلایی»، «بلبل سرگشته»، «سیاه»، «هالو»، «نگار»، «رؤیا»، «لونه شغال»، «خطر مرگ! استعمال دخانیات ممنوع» و «پهلوان کچل» حاصل فعالیت‌های نگارشی وی در این دوره است.
با تأسیس تلویزیون ایران توسط حبیب‌الله



داود رشیدی

فولکوریک پرداخت که در سال ۱۳۳۵ جایزه اول نخستین مسابقه نمایشنامه‌نویسی را که به ابتکار اداره هنرهای زیبای کشور برگزار شده بود به خود اختصاص داد و در مجله نمایش شماره ۱۰ دوره اول به چاپ رسید.

این نمایش توسط گروه نوپای هنر ملی در سال ۱۳۳۷ به صحنه رفت و در آوریل ۱۹۶۰ به دعوت فستیوال تئاتر ملی در پاریس، به مدت چهار شب در تئاتر سارا برنار به عنوان برنامه‌ای از ایران، اجرا گردید که با موفقیت بسیاری همراه بود.

نصیریان در ادامه گفته‌هایش در مورد گروه هنر ملی می‌گوید:

«... گروه، نام هنر ملی را هم یدک می‌کشید. شاهین سرکیسیان، احمد براتلو و همسرش، عباس جوانمرد، عصمت صفوی، محمد نوری (خواننده)، جمشید لایق، منوچهر انور و من، اعضای اولیه این گروه بودیم که بعدها دیگران هم آمدند از جمله اسماعیل شنگله و قاسم حاجی طرخانی. نمایش‌های «مرغ دریایی» چخوف، «پوشاندن آنان که برهنه‌اند» پیراندللو، «کلدان فرسی و سیاه»، نوشته خودم را در آن سال‌ها به صحنه بردیم. سردمدار این گروه، خجسته کیا بود که خودش هم خوب کار می‌کرد، از جمله «حکایت بر دار شدن منصور حلاج» که در منزل خودش واقع در اختیاره، اجرا شد.

این اقدام باعث شد اداره هنرهای زیبای کشور، که بعدها به وزارت فرهنگ و هنر تبدیل شد به فکر تأسیس بخش تئاتر بیفتد و گروه‌های



طباطبایی، با شرکت جمیله شیخی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، تیر ۱۳۳۹. بعد از سی سال، ترجمه خجسته کیا، با شرکت جمیله شیخی، عزت پریان، علی نصیریان، جمشید لایق، اسماعیل سنگله، جمشید مشایخی، پرویز کاردان، مرداد ۱۳۳۹. خانه اجاره‌ای، ترجمه آل گیلانی، با شرکت عزت پریان، عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، جعفر والی، علی آزاد، شهریور ۱۳۳۹. پزشک دهکده، با شرکت جمیله شیخی، نصرت پرتوی، علی نصیریان، اسماعیل سنگله، مهر ۱۳۳۹. غرور زندگی، اثر پل ژرالدی، ترجمه ناصر توفیقیان، با شرکت علی نصیریان، اسماعیل سنگله، آبان ۱۳۳۹. شام خصوصی، اثر ایو شاتلین، ترجمه حسین علی طباطبایی، با شرکت نصرت پرتوی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز. عروسی جناب میرزا، نوشته محمدطاهر قاجار، فروردین ۱۳۴۰. طلسم، نوشته پرویز صیاد، اردیبهشت ۱۳۴۰. رستاخیز، نوشته پرویز صیاد، مرداد ۱۳۴۰. شیدوش و ناهید، نوشته ابوالحسن فروغی،

شهریور ۱۳۴۰. بن بست، نوشته پرویز صیاد، مهر ۱۳۴۰. هالو، نوشته و کارگردانی علی نصیریان، مرداد ۱۳۴۲. دشتیان، نوشته و کارگردانی علی نصیریان، مرداد ۱۳۴۲. سیسیل یا مکتب پدران، نوشته ژان آنوی، شهریور ۱۳۴۲. مارتی، نوشته پدی چایفسکی و آتشگاه نوشته پرویز صیاد، مهرماه ۱۳۴۲. افعی طلایی و بیگانه‌ای در خانه، نوشته و کارگردانی علی نصیریان، آذر ۱۳۴۲. سیاه، نوشته علی نصیریان، دی ۱۳۴۲. عروسک‌های گوشتی و ابرام آقا، نوشته پرویز صیاد، اسفند ۱۳۴۲. گوهر شب چراغ، نوشته و کارگردانی علی نصیریان، فروردین ۱۳۴۳. مرداب، نوشته لسلی ساندروز، مرداد ۱۳۴۳. بازگشتی نیست، نوشته پرویز صیاد، مهر ۱۳۴۳. پهلوان کچل، نوشته علی نصیریان، دی ۱۳۴۳. جعفر خان از فرنگ آمده، نوشته حسن مقدم، آذر ۱۳۴۴. سیزده به در، نوشته و کارگردانی علی نصیریان، فروردین ۱۳۵۴. لولو سر خرمن، نوشته منوچهر نیستانی، خرداد ۱۳۴۵. رعد در خیابان، بهمن ۱۳۴۵. خانه روشنی، نوشته گوهر مراد، فروردین ۱۳۴۶. و تعداد زیادی نمایش دیگر که در آن‌ها بازی داشته یا در نوشتن متن همکاری کرده است. علی نصیریان در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ غیر از فعالیت‌های هنری در زمینه بازیگری و کارگردانی و نگارش نمایشنامه، به تدریس، تحقیق، داوری در جشنواره‌ها، ریاست اداره برنامه‌های تئاتر و همکاری در برگزاری جشن‌های فرهنگ و هنر در شهرهای کشور پرداخت و هرگز اجرای تئاتر را فدای مسائل و مشکلات حاشیه‌ای و روزمره نکرد. یکی دیگر از هنرمندان گروه تئاتر مردم، که در سال‌های دهه ۴۰ به کارگردانی نیز پرداخت و حضور وی در این گروه، به عنوان بازیگر نیز، منشأ تحولاتی در زمینه بازیگری در عرصه تئاتر کشورمان بوده است عزت‌الله انتظامی می‌باشد. وی در سال ۱۳۰۳ در تهران به دنیا آمد و تحصیلاتش را در این شهر به انجام رساند و هم‌زمان با تحصیل در هنرستان صنعتی به پیش‌برده‌خوانی در تماشاخانه‌های لاله‌زار پرداخت و بعد به گروه عبدالحسین نوشین پیوست. خود او در این باره می‌گوید:

«... من کارم را از سال ۱۳۲۱ شروع کرده بودم، پس از افتتاح تئاتر فردوسی توسط نوشین، عده‌ای از جوان‌ها دور هم جمع شدند. نوشین تحصیل کرده خارج بود و فرهنگ بسیار غنی داشت. از همان زمان پیش‌برده‌خوانی را کنار گذاشتم... پس از افتتاح تئاتر فردوسی برای اولین بار تئاتر به سبک اروپایی رواج پیدا کرد. اولین کار این تئاتر، «مستنطق»، نوشته پرستلی بود که من هم یک نقش کوتاه داشتم که در آن زمان اصطلاحاً رل نعش گفته می‌شد. تئاتر فردوسی بعد از اجرای چند نمایش توقیف و تعطیل شد و نوشین هم به زندان افتاد. بعد از مدتی بیکاری بالاخره تئاتر سعدی با همکاری عده‌ای از اعضای تئاتر فردوسی و چند چهره تازه آغاز به کار کرد...»

انتظامی درباره فعالیت‌هایش با گروه نوشین در تئاتر سعدی در جایی دیگر می‌گوید:

«... پس از دستگیری نوشین در سال ۱۳۲۷ ما به تئاتر سعدی آمدیم و در آنجا «شنل قرمز» را اجرا کردیم که کارگردانی‌اش را نوشین از درون زندان به وسیله خانم لرتا انجام می‌داد. این نمایشنامه بسیار موفق بود و من هم در آن نقش مهمی داشتم... تئاتر او پیش‌برده‌خوانی و موزیک‌های آن چنانی نداشت... دیگر اینکه مثلاً سوفلور را حذف و برای اولین بار صحنه‌گردان در تئاتر ایجاد کرد و حال و هوایی دیگر به تئاتر داد.

به‌رحال پس از تعطیلی تئاتر فردوسی، عبدالکریم عمویی تئاتر سعدی را باز کرد و همه برویچه‌ها در آنجا مشغول شدند و شاهین سرکیسیان هم در آنجا همکاری کرد. در آن زمان او خبرنگار بود و بعد فقط کارهای تئاتری را دنبال می‌کرد و بعدها پایه‌گذار گروه هنر ملی شد... در تئاتر سعدی استقبال مردم فوق‌العاده بود. اصلاً بلیت گیر نمی‌آمد و هر نمایش حداقل سه ماه روی صحنه بود...»

انتظامی بعد از تعطیلی تماشاخانه‌ها، پس از کودتای ۲۸ مرداد و فرار نوشین به شوروی در سال ۱۳۳۳، برای ادامه تحصیلات به آلمان رفت و در حین اشتغال به کار، در کارخانه ذوب آهن، در شهر هانوفر شب‌ها نیز در کلاس شبانه سینما و تئاتر، به تحصیل مشغول شد و همراه دانشجویان دیگر چند همکاری در پروژه‌های دانشجویی سینمایی یا اجرای تئاتری داشت. وی، پس از چهار سال به ایران بازمی‌گردد و با مشاهده وضع تئاتر در تماشاخانه‌های لاله‌زار که اکنون به اشتغال تئاترهای مبتذل و آتراکسیون درآمده بود دلسرده و مأیوس می‌شود و حتی از پذیرش فیلمی به دعوت دکتر کوشان نیز امتناع می‌کند. وی که کارمند دولت و شاغل در وزارت بهداشت بود اوقات خود را صرف دوبله

فیلم‌های سینمایی کرد و در فیلم «مردی که رنج می‌برد» ساخته محمدعلی جعفری (از شاگردان عبدالحسین نوشین) صحبت کرد. انتظامی فعالیت تئاتری خود را با نمایش «هیاهوی بسیار برای هیچ»، اثر شکسپیر به کارگردانی مصطفی اسکویی و «خانهٔ عروسک» ایبسن به کارگردانی مهین اسکویی ادامه داد و با تأسیس ادارهٔ هنرهای دراماتیک در خیابان شاه‌آباد در سال ۱۳۳۸، توانست با مساعدت مهرداد پهلبد خود را از وزارت بهداری به اداره کل هنرهای زیبای کشور منتقل کند. در پی این انتقال، فعالیت‌های وی متمرکز در این اداره شد. انتظامی در این باره می‌گوید:

«... در اوایل کار، تئاتری‌های هنرهای زیبا، زیاد تحویل نمی‌گرفتند و من هم با آن‌ها کاری نداشتم ولی گاهی درگیری‌هایی پیش می‌آمد. من برایشان صحبت می‌کردم و می‌گفتم که جای کسی را تنگ نمی‌کنم، اما به‌رحال بر خورد پیش می‌آمد و کار را تخصصی خودشان می‌دانستند یا لاقل من در آن زمان چنین تصویری داشتم... تا کار تلویزیون راه افتاد و قرار شد که به‌طور هفتگی به آنجا برنامه داده شود. کار جدید احتیاج به نیروهای بیشتری داشت و من هم کاملاً فعال شدم. اول یک نقش کوچک برای نمایشنامه‌ای تلویزیونی گرفتم که آقای جوانمرد کارگردانی می‌کرد و به صورت زنده پخش می‌شد. برای آن نقش کوچک زحمت بسیار کشیدم و آن کار بسیار سروصدا کرد. بعد کم‌کم کارم بیشتر شد و در دو سه نمایشنامه، کارهای دیگری را انجام دادم.»

عزت‌الله انتظامی پس از چند حضور، به عنوان بازیگر در نمایش‌های تلویزیونی اداره هنرهای دراماتیک به وسوسهٔ کارگردانی دچار می‌شود. در این باره می‌گوید:

«... بعد هوس کارگردانی به سرم زد و قصدم را هم عملی کردم. نمایشنامه‌ای بود به اسم "رانده‌وو" نوشتهٔ فرناندو میلو که حسین‌علی طباطبایی ترجمه کرده بود و مقبول هیچ‌کس از آن‌ها نیفتاده بود. نمایش سبکی بود. سه شخصیت داشت که یکی را خانم عزت پریان بازی کرد، نقش دیگر را آقای اسماعیل شنگله و نقش گارسن را هم خودم بازی کردم و کارگردانی هم می‌کردم... پس از یک تمرین کوتاه مدت اجرایش کردیم و خیلی مورد توجه قرار گرفت. همکاران عزیز هم بالاخره مرا پذیرفتند و پس از آن همگی با هم، کار می‌کردیم و مرتب به من پیشنهاد می‌شد... دوره‌های بسیار طولانی و شیرین بود که طعم خوش همهٔ زحماتی را که کشیدم هنوز حس می‌کنم...»

تئاترهایی که عزت‌الله انتظامی برای تلویزیون ایران کارگردانی کرده است عبارت‌اند از: صبح آفتابی، نوشته سرافن ژواکن و آواز

کنتر، با شرکت عزت پریان، عزت‌الله انتظامی، ژاله صبا و علی آزاد، مهرماه ۱۳۳۹.

قایق سرنوشت، در آذرماه ۱۳۳۹.

الماس، نوشتهٔ آلن مانک هاوس، بهمن‌ماه ۱۳۳۹.

اعتراف می‌کنم، نوشته پی‌یر بوالو، خردادماه ۱۳۴۰.

مادسوازل می‌می، ترجمهٔ سروربان، با شرکت نصرت پرتوی، پوران رجیبی پور، عزت‌الله انتظامی، جمشید لایق، اسماعیل داوورفر، علی آزاد، حسن زندی، مردادماه ۱۳۴۰.

بعد از همهٔ آن سال‌ها، نوشته جوکری، مهرماه ۱۳۴۰.

ترس از جرمه، نوشتهٔ پرویز خطیبی، آبان‌ماه ۱۳۴۰.

بیم و امید، آذرماه ۱۳۴۰.

مکتب بیهوا، نوشتهٔ ژان کوکتو، ترجمهٔ حسین‌علی طباطبایی، با شرکت فخری خوروش، نصرت پرتوی، جمیله شیخی، عزت‌الله انتظامی، حسن زندی، دی‌ماه ۱۳۴۰.

بازگشتی نیست، نوشتهٔ اریک اربول، فروردین‌ماه ۱۳۴۱.

کلبه، اثر الویس بیچ، اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۱. گردن‌بند مروارید، نوشته یون اسلوویچی، خردادماه ۱۳۴۱.

عشق شوم، نوشتهٔ پل استرک، مردادماه ۱۳۴۱.

چشم‌های قشنگ خانم والری، موریل باکس، شهریورماه ۱۳۴۱.

آگهی ازدواج، نوشتهٔ پیتر توکا، آبان‌ماه ۱۳۴۱.

خشت اول، نوشتهٔ الخاندرو کاسونا، آذرماه ۱۳۴۱.

شوم، نوشتهٔ رابرت کفلین، دی‌ماه ۱۳۴۱. دو خجول، نوشته اوژن لابییش، بهمن‌ماه ۱۳۴۱.

غریبه، نوشته دیوید آژبرن و دست بز، اثر اوژن لابییش، اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۲.

روز شوم، الکساندر آتروفسکی، تیرماه ۱۳۴۲.

حماسهٔ بازگشت و انتظار، مردادماه ۱۳۴۲. داستان یک شب، شون اوکیسی، مهرماه ۱۳۴۲.

ازدواج با مکاتبه، نوشته شارل ماهیو، آبان‌ماه ۱۳۴۲.

شادروان مادر خانم، نوشته ژرژ فیدو، آذرماه ۱۳۴۲.

تا نیمه‌شب، نوشته کلود سانتلی، بهمن‌ماه ۱۳۴۲.

کنار جاده، نوشته مهین تجدد، بازنویسی علی نصیریان، در اسفندماه ۱۳۴۲.

شنل، نیکلای گوگول، در اردیبهشت‌ماه

۱۳۴۳. تنهایی، نوشته پل و اندربرگ، خردادماه ۱۳۴۳.

آدم‌های شب، نوشتهٔ عباس پهلوان، مردادماه ۱۳۴۳.

دیدار، نوشتهٔ مهین تجدد، دی‌ماه ۱۳۴۳. روشنایی‌های خانهٔ ما، نوشتهٔ غلام حسین ساعدی، اسفندماه ۱۳۴۳.

غرور دزد گاوصندوق، خردادماه ۱۳۴۴.

ترازوی پایه‌بلند، تیرماه ۱۳۴۴.

آرامگاه ماهان، مردادماه ۱۳۴۴.

دلجان، نوشته گی دوموپاسان، آبان‌ماه ۱۳۴۴.

کیوتر جلد و معاملات، دی و اسفندماه ۱۳۴۴.

انفجار، نوشتهٔ منوچهر نیستانی، خردادماه ۱۳۴۴.

مرد کوتاه‌فکر، مهرماه ۱۳۴۵.

مجسمه جاندار، دی‌ماه ۱۳۴۵.

راشل، شهریورماه ۱۳۴۶.

تولد، نوشتهٔ مهین تجدد، آبان‌ماه ۱۳۴۶.

هریک از تئاترهای فوق یک یا بیش از یک بار

از تلویزیون ملی ایران پخش گردیده‌اند. عزت‌الله انتظامی، دربارهٔ تعداد فعالیت‌های

عباس جوانمرد

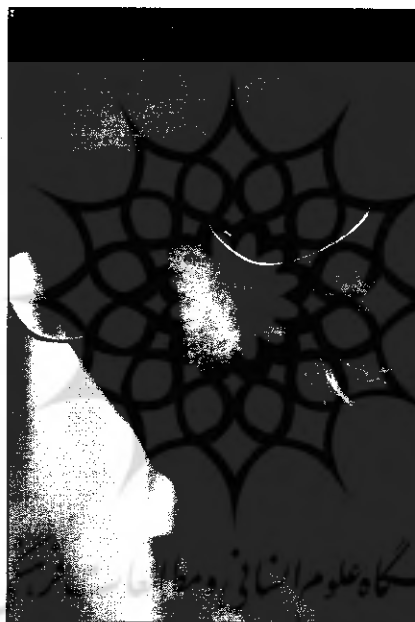


کردم، اول خندید ولی پس از مدتی که پافشاری و اصرار مرا دید، راهنمایی‌ام کرد تا نامه‌ای برای هیئت امنای دانشگاه تهران بنویسم و تقاضایم را مطرح کنم. همان دم، نامه را نوشتم و تقدیم کردم. پس از چند روز هیئت امنای دانشگاه موافقت خود را با ورود من به دانشکده هنرهای زیبا، اعلام کرد. این خبر بسیار خوش را دکتر نامدار به من داد و من همان روز که نزدیکی‌های امتحان ترم اول بود سر کلاس رفتم.»

عزت‌الله انتظامی که با تحصیل وی در رشته تئاتر و بدون کنکور به عنوان یک استثناء موافقت شده بود، لیسانس خود را با عنوان ممتاز دریافت کرد و فارغ‌التحصیل شد. رساله نظری وی «پیش‌برده خوانی» نام داشت. وی در نمایش «کرگدن» به کارگردانی حمید سمندریان نیز به عنوان بازیگر حضور داشت و در حین تحصیل هیچ‌گاه فعالیت صحنه‌ای را رها نکرد و تا سال‌های بعد که به بازی در سینما نیز پرداخت از آن دست نکشید. نقطه عطف کارنامه بازیگری وی بازی در نقش **مش حسن** در فیلم «گاو» به کارگردانی **داریوش مهرجویی** در سال ۱۳۴۷ بود. انتظامی قبلاً همین نقش را در نمایش صحنه‌ای گاو که بر اساس قصه‌ای از کتاب عزاداران بیل نوشته **غلام‌حسین ساعدی** و به کارگردانی **جعفر والی** در تلویزیون ایران اجرا شد بازی کرده و مورد توجه **مهرجویی** قرار گرفته بود.

پس از بازی در فیلم «گاو» و تحسین منتقدان، جایزه بزرگ **جشنواره شیکاگو** هم به وی اعطا شد. انتظامی در کنار بازی و کارگردانی در گروه تئاتر مردم و وزارت فرهنگ و هنر به فعالیت‌های سینمایی و همین‌طور تدریس در دهه ۵۰ نیز پرداخت و به مرور این فعالیت‌ها بین او و تئاتر فاصله انداخت. چنان‌که از سال ۱۳۵۶ تا به امروز هیچ‌گاه (چه به عنوان بازیگر و یا کارگردان)، دیگر پا بر صحنه تئاتر نگذاشت؛ لیکن حضور وی در عرصه بازیگری این سرزمین و نقش مهمی که در اعتلای هنر بازیگری تئاتر و سینما داشته و دارد، حقی بزرگ برای وی و منتی عظیم بر گردن نسل ماست.

با توجه به این نکته که اسناد و مدارک مربوط به اجرای هر نمایش (اعم از بروشور، پوستر و یا اخبار مندرج در نشریات، نقدها، بولتن‌ها و کتاب‌ها) خصوصاً در سال‌های مورد بحث این رساله، بعضاً به‌طور صریح ذکر نکرده‌اند که فلان اجرای صحنه‌ای آیا متعلق به گروه تئاتری خاصی است یا آنکه خیر، دقیقاً نمی‌توان صحت و سقم انتشار یک اجرا را به گروه تئاتری خاصی تضمین کرد. به‌طور مثال و به‌ویژه در مورد اجراهای تئاتری که توسط **علی نصیریان** و **عزت‌الله انتظامی** (یا **جعفر والی**) کارگردانی شده‌اند فقط به ذکر جمله «با همکاری



جمشیدمشایخی

تجدد) که خودم کارگردانی کرده بودم.» با تأسیس گروه هنرهای نمایشی، در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، **عزت‌الله انتظامی** در اوج دوران شکوفایی‌اش نیاز به کسب دانش آکادمیک را در خود احساس می‌کند و به‌رغم مخالفت و نهی دوستان و همکاران تصمیم خود را عملی می‌سازد. وی در این باره می‌گوید: «... من هم تصمیم گرفتم به هر نحو ممکن بازیگری را به‌طور آکادمیک ادامه بدهم. وقتی در اداره مطرح کردم تقریباً همه مخالف بودند... در آن زمان اگر اشتباه نکنم، استاد **ارجمند دکتر مهدی نامدار** ریاست دانشکده هنرهای زیبا را به عهده داشت.

دکتر نامدار، از هنرمندان بزرگ تئاتر زمان خود بود و مرا هم می‌شناخت. تقاضایم را مطرح

نمایشی خود، در تلویزیون می‌گوید: «... بر طبق آماري که دارم در چهارصد نمایش تلویزیونی به عنوان بازیگر و کارگردان شرکت داشته‌ام و به تبع آن چهارم شناخته شد...» او در مورد موفق بودن یا نبودن این‌گونه نمایش‌ها، چنین می‌گوید:

«... اوایل به دلیل آنکه گروه ما بیشتر نمایش فرنگی کار می‌کرد چندان با استقبال روبه‌رو نشد، بعد در اثر تداوم کار و تجربه اندوختن از اجراهای تلویزیونی و عادت دادن مردم به دیدن آثار به دور از ابتذال، به‌رحال نمایش‌های تلویزیونی جای خود را در میان مردم باز کرد و مقام والایی را به دست آورد.»

با نگاهی به فعالیت‌های بازیگری **عزت‌الله انتظامی** در می‌یابیم که وی با اکثر کارگردان‌های اداره هنرهای دراماتیک با عنوان بازیگر همکاری داشته است ولی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های وی، در تئاترهایی به کارگردانی **علی نصیریان** و **جعفر والی** صورت گرفته است.

وی در مورد موفق‌ترین فعالیت‌های دوره بازیگری‌اش می‌افزاید:

«... می‌توانم بگویم که بهترین نمایش صحنه‌ای که در آن‌ها فقط بازی کردم، به نظرم «چوب‌به‌دست‌های ورزیل» (نوشته دکتر **ساعدی** و کارگردانی **جعفر والی**)، «پهلوان کچل» (نوشته و کارگردانی **علی نصیریان**)، «امیر ارسلان» (نوشته پرویز کاردان و کارگردانی **علی نصیریان**)، «بنگاه تئاترال» (نوشته و کارگردانی **علی نصیریان**) و «افول» (نوشته **اکبر رادی** و کارگردانی **علی نصیریان**) بودند. از نمایش‌های تلویزیونی هم سه تا موفق‌تر و پر سر و صداتر از همه بودند: «از خودگریخته» (نوشته **محسن یلفانی** به کارگردانی **خلیل موحد دیلمانی**)، «عروس» (نوشته **فریده فرجام**، به کارگردانی **جعفر والی**) و نمایش «کنار جاده» (نوشته **مهین**

هنرمندان وزارت فرهنگ و هنر» اکتفا شده و تصریح نشده است که آیا هنرمندان مزبور تحت نام «گروه تئاتر مردم» نمایش را اجرا کرده‌اند و یا کارگردان مزبور (نصیریان، انتظامی و والی) بنا به علت خاصی با بازیگران گروه دیگری همکاری کرده‌اند.

آنچه مسلم است، پس از تشکیل گروه‌های اجراکننده تئاترهای تلویزیونی، سرگروه‌ها هر کدام برای خود گروهی متشکل از تعدادی بازیگر داشته‌اند که در بسیاری موارد یک بازیگر با دو یا سه گروه دیگر نیز، همکاری می‌کرد، لیکن نوع انتخاب متن، شکل اجرا و خصوصیات اخلاقی و روحی یک سرگروه، همکاری و مشارکت با افراد خاصی را ایجاب، و به مرور مرزی غیرمشخص، آن‌ها را در یک مجموعه (یا گروه) مشترک با هم در نزد دیگران معرفی می‌کرد.

با توجه به مطالب فوق و نقصان موجود در مدارک و بی‌اعتمادی به حافظه افرادی که در این گروه‌ها، به کار می‌پرداختند نگارنده تصمیم گرفت مجموعه فعالیت‌های تئاتری به کارگردانی علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی در سال‌های دهه ۴۰ را زیر مجموعه (یا به‌طور دقیق‌تر جزء) اجراهای گروه تئاتر مردم قلمداد کند.

بنابراین، در اینجا به شرح و معرفی اجراهای تئاتری این گروه می‌پردازیم. در نشریه روز جهانی تئاتر در مورد فعالیت این گروه می‌خوانیم:

«... گروهی از هنرمندان اداره هنرهای دراماتیک و وزارت فرهنگ و هنر در تاریخ اول شهریورماه ۱۳۴۳ برای اجرای نمایش در واحدهای ارتش شاهنشاهی به خراسان عزیمت کردند و دو نمایشنامه به نام «بیگانه‌ای در خانه» به کارگردانی آقای علی نصیریان و «آگهی ازدواج» به کارگردانی آقای عزت‌الله انتظامی در شهرهای مشهد، تربت حیدریه، تربت جام، قوچان، بجنورد، چهل دختر و گرگان اجرا کردند. این سفر هنری مدت ۲۱ روز به طول انجامید.»

اولین حضور جدی گروه تئاتر مردم، که نام آن‌ها را برای علاقه‌مندان به نمایش‌های ایرانی به نامی آشنا تبدیل کرد در نخستین جشنواره نمایش‌های ایرانی در سال ۱۳۴۳ بود که با دو نمایش «امیرارسلان نامدار» نوشته پرویز کاروان و کارگردانی علی نصیریان و «بهترین بابای دنیا» نوشته گوهر مراد و به کارگردانی عزت‌الله انتظامی شرکت کرد.

این نمایش از استقبال بسیار خوبی برخوردار شد و مدت زیادی پس از جشنواره به تماشای عموم گذاشته شد.

جلال آل احمد در مطلبی درباره این نمایش می‌نویسد:



فهیمنه راستکار

«امیرارسلان نامدار» یک روحی آفرنگ... بود. عوام‌پسند و سرگرم‌کننده و سخت‌خنده‌دار که با استفاده از وسایل سمعی و بصری و تابلو انداختن و سگ توی صحنه آوردن و نقالی، شب‌های دراز روی صحنه ماند. اگر به این بنگریم که همشهری محترم ما (به‌خصوص مردم پایین‌شهری) هم باید بخندند و تفریح کنند... قابل تحمل که هیچ، حتی قابل تقدیر بود.

... پس از این‌همه سال که روشنفکر پوسیده ولایت، به تقلید چیزی می‌رشته اکنون باز همان اندر خم کوچه اولیم... تئاتری است و شده است مدفن لیاقت‌های والی و انتظامی و نصیریان. برای چنین کاری مگر تفکری مرحوم چه کم داشت؟ یا مجید محسنی یا قنبری؟

پس یعنی فرقی نیست میان شما و ایشان؟ زیر بال حکومت رفتن، شرط اولش بال خویش را بستن است. دست علی به همراهتان که مجید محسنی از همین راه نماینده یکی از آن دو مجلس هم شده است.»

گروه تئاتر مردم، پس از تجربیات تئاتری در تلویزیون و روی صحنه و دست یافتن به نظر و سلیقه تماشاگران راه خود را با اجرای نمایش‌های ایرانی انتخاب کرده بود.

نمایش بعدی این گروه «خطر مرگ! استعمال دخانیات ممنوع» نام داشت که نوشته‌ای بود از علی نصیریان که با نگاهی به شیوه‌های نمایش‌های سنتی، خصوصاً پیش‌پرده‌خوانی، و با الگویی از بنگاه‌های شادمانی نوشته شده بود و توسط خودش کارگردانی شد. در این نمایش که در سال ۱۳۴۴ به مدت دو شب در تالار نمایش وزارت فرهنگ و هنر روی صحنه رفت، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمیله شیخی، جعفر والی و خسرو شجاعزاده بازی داشتند.

جلال آل احمد درباره اجرای نمایش «خطر مرگ! استعمال دخانیات اکیداً ممنوع است» این‌گونه می‌نویسد:

«ملی‌بازی نصیریان دیگر ریشش درآمده، باز صد رحمت به بلبل سرگشته»، حالا دیگر خوره مدرن‌بازی به جان این یکی هم افتاده. آخر دستگاه به آن عظمت (با تالارش عین دکان عتیقه‌فروشی) هنرهای زیبا باید کاری هم بکند و چه جور؟ ... پیش‌پرده‌خوانی و دلقکی روی «تم» سیگار و چپق و قلیان ... نمایشگاه بسیاری از لباس‌های اصیل ملی (!) ایرانی برای مثلاً بازار کنار خندان پاریس، به جای تئاتر سارا برنار، که حتی مطبوعات بازاری آن ولایت بردارند بنویسند که «باز توریسم را کشیده‌اند روی صحنه؟» و دیگر فضاحت‌ها. بله، حال یز

بدهیم که «برشت» ملی (۱) هم دائم...

...نصیریان این بار آمده در «استعمال دخانیات ممنوع»... «روحوضی» را با «پیش‌پرده» بخیه زده، بعد هم یک تکه «معرکه» بهش چسبانده، بعد هم یک خرده شمایل گردانی و در گفتارش دو سه تا تصنیف و تکه‌های فلکلور ملی... عین اینکه بیایم قصه خاله سوسکه و خاله خرسه و خاله گردن‌دراز را بیچسبانیم به هم، با کمی خوش‌مزگی و شیرین‌کاری، و تازه به جای اینکه اسمش را بگذاریم «قصه سه خاله» بگذاریم «قیام زن ایرانی»! این اداها هنری که نیست، هیچ؛ خیانت است.

نمایش «بهترین بابای دنیا» به کارگردانی عزت‌الله انتظامی که در نخستین جشنواره نمایش‌های ایرانی نیز حضور داشت در دی‌ماه ۱۳۴۴ در تالار ۲۵ شهریور به نمایش عمومی گذاشته شد. علی نصیریان نیز در آبان‌ماه سال ۱۳۴۵ نمایش «بلبله سرگشته» نوشته خودش را که قبلاً با موفقیت اجرا شده بود مجدداً در تالار ۲۵ شهریور روی صحنه برد. در این نمایش، عصمت صفوی، فخری خوروش، عزت‌الله انتظامی و جمشید مشایخی بازی می‌کردند.

نمایش کمدی «جعفرخان از فرنگ آمده» نوشته حسن مقدم توسط عزت‌الله انتظامی در اسفندماه ۱۳۴۵ در تالار ۲۵ شهریور به روی صحنه رفت. نمایش «آگهی ازدواج» که تا این زمان چند بار از تلویزیون ایران پخش شده بود نیز، در این سال به نمایش گذاشته شد.

انتظامی در سال ۱۳۴۶ با همراهی گروه تئاتر مردم نمایش «شاه عباس» و «مرد پاره‌دوز» نوشته پرویز صیاد را کارگردانی کرد. در این نمایش که در فروردین‌ماه سال ۱۳۴۶ در تالار ۲۵ شهریور اجرا شد علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، فرزانه تأییدی و زندی، بازی داشتند. انتظامی در مورد انتخاب این متن می‌گوید:

«... در آن زمان، کم‌کم نوآوری‌هایی در زمینه

نوشتن متن ایرانی می‌شد. کسانی مثل دکتر ساعدی و پرویز صیاد، نمایشنامه می‌نوشتند و کارشان هم جذابیت داشت.»

دو نمایش «خشت اول» و «شادروان مادر خانم» که از اجراهای موفق تئاتر و تلویزیون ایران به شمار می‌رفت توسط عزت‌الله انتظامی در شهرستان‌های استان‌های خراسان و زاهدان به نمایش گذاشته شد. عزت‌الله انتظامی درباره مشکلات اجرای نمایش در شهرستان می‌گوید:

«... خلاصه، تا قبل از سال ۵۰ و پیش از آنکه وزارت فرهنگ و هنر وزارت‌خانه شود، هر سال و در اوایل تابستان به مناطق مختلف می‌رفتیم. بعدها در دهه ۵۰ ما را برای جشن‌های فرهنگ و هنر می‌فرستادند. در این سفرها تجربه پیدا کردیم که نمایش کمدی را چگونه کار کنیم و استقبال هم می‌شد. گاهی ارتشی‌ها، استاندار و دیگر مقام‌های اداری شهر را هم برای تماشای نمایش دعوت می‌کردیم ولی ما همه مدت در پادگان‌ها بودیم و بسیار به ما سخت می‌گذشت. مثلاً وقتی از مشهد باید به زاهدان می‌رفتیم، ساعت حرکت به‌ناچار ۲ نیمه‌شب بود تا بتوانیم قبل از ظهر، از کویر بگذریم.»

در جهت اجرای نمایش، در شهرستان‌ها، نمایش آگهی ازدواج توسط عزت‌الله انتظامی و هنرمندان گروه تئاتر مردم در سال ۱۳۴۵ در آذربایجان به نمایش گذاشته شد. دو نمایش «رویا» و «خطر مرگ، استعمال دخانیات ممنوع» نوشته و کارگردانی علی نصیریان در سال ۱۳۴۶ توسط گروه تئاتر مردم در تالار ۲۵ شهریور روی صحنه رفت. نمایش اخیر در سال ۱۳۴۴ توسط نصیریان به مدت دو شب در تالار فرهنگ نیز روی صحنه رفته بود. کامیاب‌ترین نمایشی منتقد تئاتر، درباره این دو اجرا می‌نویسد:

«... نصیریان کوشیده است تا واقعی‌ترین تصویر زندگی کنونی توده مردم ما را محسم کند و در این راه صمیمیتش درخور ستایش است. با شناخت و آگاهی به مسئله، طبیعتاً کارگردانی نصیریان راحت‌تر و قابل‌پذیرش‌تر صورت گرفته بود. بررسی گوشه‌های خصوصی زندگی ایران، نشانه تسلط او به فرهنگ و فولکلور شهری و گواه بینش وسیع و دقیق اجتماعی اوست. وی در پرداخت تصویرها به‌طور کلی موفق بود و میزانسن به جز در چند مورد تقریباً گویا و صحیح انتخاب شده بود... بازی‌های، خصوصاً، فیهیمه راستکار و سیاوش تهمورث خوب بود... جعفر والی همیشه در اجرای نقش‌های کمیک توفیق کامل داشت و انتظامی نیز همان‌نقل تخته حوضی همیشگی بود. نمایش «خطر مرگ! استعمال دخانیات ممنوع» یک کمدی تراژدی است با فضای خاص نمایش ایرانی و از نظر فرم تقاطعی از برشت و تئاتر پوچی و

پیش‌پرده‌های تخت حوضی خودمان و نصیریان در نحوه پرداخت صحنه‌های آن توفیق بسیار یافته است. در این نمایش نصیریان بازی قراردادی‌اش بسیار زیبا بود و طنز تلخ و آهنگینش کاملاً به دل می‌نشست...»

این دو نمایش متعاقب اجرای تهران، در پادگان‌های استان خراسان نیز به نمایش گذاشته شد. در آبان‌ماه سال ۴۷ به مناسبت جشن فرهنگ و هنر نمایش «بلبل سرگشته»، نوشته علی نصیریان، ولی این بار به کارگردانی عزت‌الله انتظامی توسط بازیگران گروه تئاتر مردم به نمایش گذاشته شد. در این اجرا، انتظامی فقط کارگردانی می‌کرد و به عنوان بازیگر در صحنه حضور نداشت.

این نمایش به دلیل استقبال گسترده در سال بعد نیز، در جشن فرهنگ و هنر شیراز روی صحنه رفت. عزت‌الله انتظامی درباره اجرای جشن فرهنگ و هنر می‌گوید:

«... پس از راه افتادن جشن هنر شیراز، توسط تلویزیون، وزارت فرهنگ و هنر هم جشن فرهنگ و هنر را به راه انداخت. بودجه‌ای به کارگردان می‌دادند و او می‌رفت هتل اجاره می‌کرد و با هواپیما می‌رفتیم و برمی‌گشتیم و دستمزدی هم می‌گرفتیم. زیاد نبود، اما خوب بود.»

نمایشنامه «لونه شغال» نوشته علی نصیریان به کارگردانی خودش توسط گروه تئاتر مردم در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۴۸ در تئاتر ۲۵ شهریور روی صحنه رفت. بازیگران این نمایش، داود آریا، مهین شهبانی، اسماعیل محرابی، عزت‌الله انتظامی، هرمز هدایت، لاله تقیان، ناصر نجمی، عصمت صفوی بودند. درباره این نمایش نوشتند: «... نمایش لونه شغال، به کارگردانی علی نصیریان به وسیله گروه تئاتر مردم روی صحنه رفت. این نمایش که در تالار ۲۵ شهریور به اجرا گذاشته شد، از تمثیل، مایه گرفته همچنین از واقعیت‌های گذشته و کلاً در سراسر نمایش از استعاره‌های فراوانی استفاده شد ولی به سبب گسیختگی‌هایی که داشت و ابهام و بی‌فرجامی و سردرگمی که در بعضی نقش‌ها و پرسوناژها غوطه خورده بود نتوانست به موفقیت نایل شود. خانم شهبانی و عزت‌الله انتظامی به‌خوبی بازی کردند و واقعاً خوش درخشیدند...»

در سال ۱۳۴۸ عزت‌الله انتظامی در جهت اجرای نمایش در کاخ‌های جوانان نمایش «دو سر پل» را با همکاری گروه تئاتر مردم در کاخ جوانان مرکزی روی صحنه برد.

فعالیت بعدی گروه تئاتر مردم، نمایش افول نوشته اکبر رادی بود که توسط علی نصیریان و با شرکت علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، ایرج راد، فخری خوروش، علی نصیریان، آذر فخر، اسماعیل سنگله، اسماعیل محرابی، اسماعیل داوورفر، محمدعلی کشاورز، عصمت صفوی و

در جشن هنر شیراز به اجرا گذاشته شد. این نخستین حضور این گروه در جشن هنر شیراز بود که خطمشی حمایت از آثار نمایشی آوانگارد و مدرن را در دستور کار خود قرار داده بود. این نمایش در سال ۱۳۵۴ در برنامه تالار ۲۵ شهریور قرار گرفت.

عزت‌الله انتظامی دربارهٔ پرهیز گروه خود از تئاتر مدرن و آوانگارد می‌گوید:

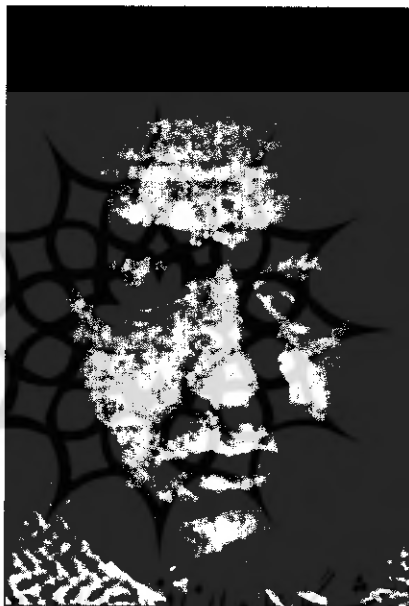
«... دورهٔ طلایی ما زمانی بود که در سنگلج کار می‌کردیم و عمیقاً اعتقاد داشتیم که تئاتر یعنی همین‌که ما در آن کار می‌کنیم. هیچ‌وقت گرایشی به آن نوع تئاتری که در جشن هنر و کارگاه نمایش روی صحنه می‌رفت، نداشتیم. البته نمایش کارگاهی و تجربی و آوانگارد در همه‌جای دنیا وجود دارد ولی من اعتقاد داشتم که باید با همان سبک و سیاق خودمان کار کنیم و همان نوع تئاتر را غنی‌تر بسازیم و ارتقای کیفی بدهیم. به همین دلیل هیچ‌وقت سراغ تئاتر آوانگارد نرفتم، چون به‌اصطلاح امروزی‌ها به گروه خون ما نمی‌خورد!»

این نمایش یک کم‌دی شاد ایرانی بود که با استفاده از فرم سنتی و تخت حوضی تهیه شده بود.

علی نصیریان در گفت‌وگویی دربارهٔ اجرای نمایش بنگاه تئاترال. می‌گوید:

«... هدف من این بود که این نمایش‌ها را که مال خودمان است و ارزش‌های بسیار دارد و اکنون به نابودی کشانده می‌شود مطرح کنم. شیوه کار تخت حوضی در شکل حقیقی‌اش چیزی نبود که به صورت آگاهانه به وجود آمده باشد. همه چیز خیلی تجربی و خیلی خود به خود اتفاق افتاده است... یکی از هدف‌های من این بود که با استفاده از آگاهی‌هایی که در این زمینه داشتم و چیزهایی که در این مورد خوانده و شنیده بودم، کاری در این زمینه بکنم، نه به عنوان خاتمه کار؛ بلکه تنها به این عنوان که قدمی بردارم...»

اگرچه عزت‌الله انتظامی و علی نصیریان جذب سینما و بازیگری برای آن شدند لیکن تا پیروزی انقلاب نیز، خصوصاً علی نصیریان، ارتباط خود را با تئاتر قطع نکرد، لیکن اوج دوران فعالیت تئاتری آن‌ها با گروه تئاتر مردم به سال‌های دههٔ ۴۰ برمی‌گردد. سال‌هایی که چراغ نمایش ملی ایران در تالار ۲۵ شهریور توسط گروه آنان روشن نگه داشته شده بود. با رونق گرفتن بساط تلویزیون و سینما در دههٔ ۵۰ و ایجاد جریان‌های نوین تئاتری (مانند کارگاه نمایش)، بساط نمایش ایرانی از نوع تئاترهای گروه تئاتر مردم رونق خود را از دست داد، لیکن صفحات زیادی از کتاب پربار و پُررونق تئاتر تهران در دههٔ ۴۰ به فعالیت‌های نمایشی این گروه اختصاص دارد.



عزت‌الله انتظامی

حمید سمندریان دربارهٔ این نمایش نظر می‌دهد:

«... به نظر من در سال گذشته اصولاً تئاتر برجسته‌ای اجرا نشد، ولی در همین محدوده که داشتیم من «بازرس» را با وجود نقص‌های کلی که در آن بود، بهترین می‌دانم. من این کار را به دلیل بی‌ادعایی آن و اجرای نسبتاً خوبش انتخاب می‌کنم... من این کار را به سبب کار ارزنده دو سه هنرمند نقش‌آفرین و احتراز آن‌ها از بالانس‌های هنری بی‌جا زدن پسندیدم. بازی‌های ایرج راد، داوود فر، و نصیریان، هرچند می‌توانستند از خود قدرت بیشتری نشان دهند، ولی در همین حد هم جالب بود.»

در مردادماه سال ۱۳۵۳ نیز نمایش **بنگاه تئاترال** که توسط نصیریان نوشته شده بود توسط گروه تئاتر مردم و به کارگردانی خودش

محسن جابری در تالار ۲۵ شهریور به نمایش درآمد.

عزت‌الله انتظامی در سال ۱۳۴۸ نمایش «مردی که مرده بود و خود نمی‌دانست» نوشتهٔ پرویز صیاد را توسط گروه تئاتر مردم در تالار ۲۵ شهریور روی صحنه برد. بازیگران این نمایش، **ناصر نجفی**، **محمدعلی کشاورز**، **مهین شهابی**، **علی نصیریان**، **هرمز هدایت**، **اسماعیل داوود فر**، **اسماعیل محرابی**، عزت‌الله انتظامی و ایرج راد، بودند.

علی نصیریان در سال ۱۳۵۰، به اتفاق گروه تئاتر مردم، نمایش «سیاوش در یاد» نوشتهٔ حسن زندی را در تالار ۲۵ شهریور به صحنه برد. در این نمایش، عزت‌الله انتظامی، اسماعیل سنگله، محمدعلی جعفری، محمدعلی کشاورز و فخری خوروش بازی داشتند. منتقدان نسبت به این نمایش نظر مثبتی ارائه ندادند.

عزت‌الله انتظامی نیز، در سال بعد، نمایش **بازرس**، اثر **گوگول** را کارگردانی و از همکاری بازیگران گروه تئاتر مردم استفاده کرد که عبارت بودند از علی نصیریان، اسماعیل داوود فر، مهین شهابی، **رضا کرمرضایی**، ایرج راد، داوود آریا، **داریوش مؤدبیان**، **محمد مطیع**، **هرمز هدایت**، **هرمز سیرتی**، **فرامرز صدیقی**، **خسرو شکیبایی** و **مهری مهرنیا**.

این نمایش در دی‌ماه ۱۳۵۲ در تالار ۲۵ شهریور به نمایش درآمد و سپس در شهرهای مشهد، گنبد کاووس، گرگان، ساری و رشت نیز به نمایش گذاشته شد و متعاقب آن در آبان‌ماه همان سال اعضای گروه تئاتر مردم برای اجرای آن در جشن فرهنگ و هنر عازم شهرهای تبریز، شیراز، اصفهان، خرمشهر، مسجد سلیمان، اهواز، آبادان، خرم‌آباد و اراک شدند.

این نمایش با استقبال خوبی از سوی تماشاگران مواجه شد و آخرین فعالیت عزت‌الله انتظامی در زمینهٔ کارگردانی به شمار می‌رود.